

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"

۳۰ نومبر ۲۰۲۱

چند تذکر کوتاه خدمت رفقای حزب کار ایران (توفان)

نخست از همه درود های گرم و مبارزاتی ما را بپذیرید، از این که به یادداشت ما پاسخ ارائه داشتید جهانی سپاس. شاید تا حال متوجه شده باشید که پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" در تمام ۱۵ سال کار مستمر و پیگیر مبارزاتی نه تا حال مطلبی را با تحریف منتشر نموده و نه هم با ترس از نشر عقاید دیگران، آنها را به زباله انداخته است. بلکه همیشه با استفاده از حق ناشر، با مطالبی که موافقت نداشته و یا آنها را خلاف واقعیت های تاریخی- اجتماعی تشخیص داده، در کمال امانتداری همزمان با نشر مطلب، از طریق افزودن یک یادداشت نظرات پورتال را نیز در زمینه ابراز داشته است.

رفقای عزیز، از همان آغاز تا اکنون شاید در پای بیش از صد مقاله و مطلب ما یادداشت نگاشته باشیم، با تأسف نه تنها به هیچ یک از یادداشت های ما پاسخی ارائه نشده، بلکه تعدادی از همکاران قلمی با خواندن یادداشت به جای آن که باب بحث را بکشایند و این زمینه را فراهم سازند تا صحت و سقم یادداشت به بحث گرفته شود، با عکس العمل های خشمگین و قسماً کودکانه، روابط شان را با ما قطع نموده اند. زمانی که پاسخ شما را به یادداشت خود مطالعه نمودیم، برای ما مسلم شد که با یک نهاد جدی، متعهد و انقلابی طرف هستیم که می خواهند مشکلات را با دوستان و رفقاء حل نمایند نه این که راه قهر و گسست را انتخاب کنند. از همین رو قبل از آغاز بحث لازم می دانیم تا این موضع سالم مبارزاتی تان را تبریک عرض نموده، امید بریم که چنین برخوردی الگو و سرمشقی گردد برای سایر همکاران عزیزی که گاهی در پای مقالات شان یادداشت نگاشته می شود.

رفقای عزیز، رابطه جنبش انقلابی و نیروهای مارکسیست لنینیست افغانستان با رفقای ایرانی شان تاریخی بیش از نیم قرن دارد، در این بازه زمانی همیشه امکان این وجود داشته تا از تجارب همدیگر بیاموزیم، مگر این آموزش متقابل به بدان معنا نیست که رفقای افغان در کل، از نقش پیشرو و مددکارانه نهاد های انقلابی ایران چشم پوشی و یا انکار نمایند. ما از این که بگوئیم اکثریت راهیان جنبش انقلابی افغانستان و اعضاء و هواداران سازمانهای مارکسیستی لنینیستی افغانستان به خصوص آنهایی که در داخل افغانستان به حیات مبارزاتی شان ادامه می دادند و با زبانهای اروپائی آشنائی و بلدیت در سطح استفاده از آثار بنیانگذاران علم انقلاب نداشتند، عمدتاً از ترجمه هائی استفاده نموده و استخوانبندی ایدئولوژیک خود را اساس گذاشته اند، که توسط رفقای پیشکسوت ایرانی ترجمه شده بودند. از این بابت ما همیشه مدیون رفقاء و کار مثمر و انقلابی شان بوده و هستیم.

این حرف را در حالی می‌زنم که در مقاطعی به خصوص سال ۶۰ در پی حملات جنایتکارانه رژیم ولایت فقیه بر کل جنبش انقلابی و آزادیخواهانه ایران، رفقای افغانستان نیز با تقبل خطر و با سپر ساختن سینه هایشان در حد توان جهت حفظ حیات کمونیست‌های ایران تلاش ورزیده‌اند.

ما چه آنروز و چه باردیگر و بارهای دیگر نیز اگر ایجاب نماید، حاضریم باز هم جهت حفظ جان رفقای ایرانی ما از جان خویش مایه بگذاریم، زیرا چنین برخوردی را نه تنها ادای دین درقبال آن همه کمکی که از جنبش کمونیستی ایران دریافت داشته ایم می‌دانیم، بلکه معتقدیم در مقابل اتحاد منطقه‌ی نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم، فقط اتحاد مبارزاتی نیروهای انقلابی و کمونیستی منطقه می‌تواند به پیروزی برسد. از همین رو و بر مبنای همین طرز دید، پورتال "افغانستان آزاد- آزادافغانستان" در طول حیات نشراتی خود همیشه، با جنبش انقلابی و کمونیستی ایران همان برخوردی را داشته است، که با جنبش کشور خود ما داریم.

رفقای عزیز، این که نوشته‌اید از یادداشت ما متعجب شده‌اید و به دنبال آن از عملکرد مبارزاتی پرافتخار "سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان" و در دوام آن "حزب کار ایران" (توفان) تذکراتی داده بودید، متوجه شدیم که با تأسف رفقاء یادداشت ما را با دقت نخوانده‌اند و رنه طلب حاصل نمی‌نمودند.

رفقای عزیز، وقتی ما در آخر یادداشت نگاشته بودیم که رفقاء حین برخورد به قضایا و جهت اجتناب از خط بطلان کشیدن بر گذشته پرافتخارشان، حد اقل به نشرات سابق خود مراجعه نمایند، فکر می‌کنیم خیلی صریح تذکر داده ایم که نه تنها با گذشته تان مشکلی نداریم و آن را آموزنده و سودمند برای خود و بقیه جنبش انقلابی کشور نیز می‌دانیم، بلکه به جرأت و صداقت انقلابی می‌افزاییم که آنچه امروز هستیم و در جایگاهی که امروز ایستاده ایم، آن را مرهون و محصول زحمات و خلاقیت‌های گرامی یادانی چون "فروتن" و "قاسمی" در مبارزه علیه رویونیسم و سوسیال امپریالیسم دانسته، سازمانی را که آنها بنیان گذاشته‌اند، گرامی می‌داریم.

رفقاء باید بسیار صریح و رفیقانه بنویسیم که مشکل ما با صفحه سوم نوشته تان آغاز می‌یابد. زیرا:

۱- بادر نظر داشت این که اولاً حزبی به نام "حزب مردم افغانستان" در همان مقطع وجود نداشته، و ببرک بعد از نشست بر کرسی ریاست غلامان، اصطلاح "حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان" را نشخوار نمود و با در نظر داشت آن باند جنایتکار و وطنفروش "حنخا" در سالهای آخر عمر حاکمیت شان آنهم بعد از خروج عساکر شوروی از افغانستان در سال ۱۳۶۹ نام حزب شان را به "حزب وطن" تغییر داده، کلمه دموکراتیک را نیز از نام رسمی دولت افغانستان حذف و "جمهوری افغانستان" نام گذاشتند، برای ما بسیار جالب است می‌خوانیم رفقاء با قاطی کردن سنوات و چه بسا اشتباه ذهنی خودشان، از "حزب مردم افغانستان" نام می‌برند.

رفقای عزیز، شما از اسناد درونی باند‌های خلق و پرچم نام می‌برید، و تغییر نام را به آن سند راجع می‌سازید از آنجائی که چنین سندی را با تأسف در جنبش انقلابی افغانستان تا جائی که ما می‌دانیم نه تنها هیچ کسی ندیده بلکه ادعا هم ننموده، چه بهتر که بزرگواری نموده آن را منتشر سازید تا بخشی از تاریخ خونبار کشور ما و بازی‌های سیاسی پشت پرده آن نیز آشکار گردیده، بر مبنای آن ما هم بتوانیم طرز دید خود را تصحیح نمائیم.

۲- شما در مورد برنامه "کمونیستی" نگاشته‌اید که هر جا آنها را کمونیستی دانسته‌اند، شما "کمونیستی" آورده‌اید.

رفقای عزیز، شما مطمئناً می‌دانید که علامت ("...") موارد استعمال زیاد داشته از نقل قول گرفته تا اسم خاص و از مفهوم استهزاء گرفته تا یادآوری و... چندین مورد دیگر نیز با آن نشان داده می‌شود، حال وقتی شما آن را "کمونیستی" می‌نویسید، خواننده از کجا بداند که از بین چندین مورد قابل استفاده شما کدام یک را در نظر دارید؟ بدون

آن که حمل بر خودستائی و یا دیکته شیوه نگارش تلقی گردد، رفیقانه می افزایم در آثار کمونیستی جهت اجتناب از سوء تفاهم در چنین مواردی با آوردن (به اصطلاح "کمونیستی") نویسنده هدف خود را صریح و واضح می رساند.

از آن گذشته برای ما مسلم است که باند های خلق و پرچم در هیچ یک از آثار خود نه تنها از برنامه کمونیستی یاد ننموده اند، بلکه حتا تره کی در مقابل سؤال مشخص که آیا حزب شما یک حزب کمونیستی است؟، پاسخ صریح داد که حزب ما حزب دموکراتیک خلق است. تا چه رسد به شعبده بازی های ببرک کارمل و قرآن خواندنهایش.

هر جا که «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» را حزب «کمونیستی» نوشته اند، آن نوشته ها یا از عوامل ارتجاع بوده و یا هم مستقیماً به وسیله عوامل و ایادی امپریالیسم نگاشته شده اند و غرض از آن تسمیه تحریک خلق ما علیه آنها و تحریف جنبش آزادیخواهانه ما از یک حرکت ضد استعماری به یک جنگ اعتقادی بوده است. بناءً برای رفقای با سابقه ای کمونیستی ئی که رفقای توفان دارند، چنین کاربردی کمال بی دقتی می باشد.

۳- در همان صفحه سوم از بندی که با "اسلام دین مقدس مردم افغانستان است" آغاز و الی ختم نوشته " ...اعلام می گردد... " شما اینک ادعا می نمائید که گویا آن چند بند مورد تأیید شما نبوده صرف به مثابه یک نقل آورده اید تا مواضع آنها روشن گردد.

رفقای عزیز، به نظر من این شیوه بحث بین رفقاء شیوه درست و انقلابی نیست و بیشتر به گریز از مسؤولیت و نپذیرفتن انتقاد شباهت دارد تا یک استدلال رفیقانه. زیرا:

*- هرگاه این نقل قول با برداشت و حکم رفیق نویسنده همسو و در انطباق نمی بود، ضرورت آوردن و صفحه را پر کردن با آن چه بود؟

*- اصول نگارش بر ماحکم می نماید زمانی که نقل قولی با چنان طول و تفصیل آنهم مغایر با اعتقادات و باور های خود می آوریم، می باید منبع آن را تذکار دهیم تا خواننده فکر ننماید که گیومه های گاه و بیگاه در اطراف نقل قول به هدف دیگری به کار برده نشده است.

* - منطقاً وقتی چنین نقل قولی را می آوریم می باید به خود زحمت دهیم و جهت اجتناب از سوء تفاهم مغایرت و تناقض افکار خود را با آن نقل قول صریحاً به آن بیفزائیم.

در غیر آن به همان سان که ما برداشت نمودیم که آن چند بند، نقل قول نه، بلکه طرز دید خودتان را می رساند، سایر خوانندگان نیز حق دارند به همان سان برداشت نموده، در شرایطی که روابط هم کلاً از طریق رسانه ها و کتبی تأمین می گردد و به تماسهای تلفونی هم پاسخ داده نمی شود- یکی از رفقاء کوشید با رفیق خ در پ تماس بگیرد که موفق نشد و جواب پیامش نیز داده نشد- و بر مبنای مخفی کاری از هیچ گونه تحول درونی تشکل ها هم اطلاعی وجود ندارد، از کجا می توان حکم نمود، بر حزب کار ایران (توفان) و یا سایر احزاب و نهاد ها، همان نیامده باشد که بعد از مرگ رفیق ستالین بر حزب کمونیست بلشویک شوروی، بعد از مرگ رفیق مائو در حزب کمونیست چین و بقیه احزاب کمونیستی جهان نیامده است و نباید دلوایس شد؟

رفقای عزیز،

بباید با هم رفیقانه برخورد نموده، آنجائی که انتقادی متوجه ماست رفیقانه آن را بپذیریم. ما از نوشته هائی که رهبران و پیشکسوتان تان نیم قرن قبل ترجمه نموده و آنچه را خود نگاشته اید، آموخته ایم که انتقاد از خود یک فرد، یک سازمان و یا حزب، میزان جدیت و صداقت آنها را در امر انقلاب بازتاب داده نه تنها، باعث کاستن از شأن و اعتبار یک فرد، سازمان و یا حزب نیست، بلکه شجاعت و پایداری آن فرد، سازمان و حزب را به امر انقلاب می رساند.

در اخير ضمن اداى احترام مجدد خدمت رفقاء، صميمانه از آنها تقاضا داريم، در صورتى كه نامه ارسالى خودشان را در نشرات شان بازنشر مى كنند، اين نوشته را نيز منتشر نموده، بر ما منت گذارند.

به اميد گسترش و تحكيم روابط كمونيستى بين نهاد هاى انقلابى و كمونيستى منطقه و جهان!

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"